



روزنامه جوان | شماره ۵۲۴۲

دورنما

احمد کاظم‌زاده

تحولات هفته‌های آینده برای نقش بر آب کردن نقشه‌های مثلث مصالحه‌گر پرورنده فلسطین کلیدی است

# آوار انتفاضه آوارگان بر معامله قرن



همکاری اسلامی و اتحادیه عرب در قبال حمایت از فلسطین و احقاق حقوق فلسطینی‌ها و به‌خصوص آوارگان فلسطینی مسئولیت تعریف‌شده و انکار ناپذیر دارند اما به نظر می‌رسد این بار فلسطینی‌ها و آوارگان فلسطینی از حمایت این مجامع دست شسته‌اند و روی توان داخلی خود حساب کرده‌اند که این مسئله بر وحشت صهیونیست‌ها افزوده است. این ابتکار برای اولین بار هم‌زمان با آغاز خیزش‌های مردمی در کشورهای عربی در سال ۲۰۱۱ میلادی از سوی آوارگان فلسطینی به کار گرفته شد اما به‌تدریج در فضای ناشی از این خیزش‌ها به حاشیه رفت اما اکنون چند عامل موجب شده است که دوباره از حاشیه به متن بیاید. نخست اینکه در چارچوب آنچه از آن به معامله قرن تعبیر می‌شود تلاش می‌شود برای همیشه حق بازگشت آوارگان فلسطینی به

سرزمین مادری خود ملغی شود و آوارگان فلسطینی بایرای همیشه در کشورهای میزبان بمانند یا اینکه به منطقه‌ای در صحرای سینا منتقل شوند که قرار است در چارچوب مبادلات ارضی در ازای چشمپوشی فلسطینی‌ها از حق تشکیل دولت فلسطینی در کرانه باختری به فلسطینی‌ها واگذار شود. در طرحی و اجرای این پروژه جنگ‌طلبان حاکم بر فلسطین اشغالی به رهبری نتانیاهو، تجدیدنظرطلبان حاکم بر کاخ سفید به رهبری ترامپ، کودتاگرایان حاکم بر ریاض به رهبری محمد بن سلمان نقش دارند و البته دو کشور اردن و مصر نیز با تشویق و تشبیه وادار به مشارکت در اجرای این پروژه شده‌اند. با این حال خیانتی که به‌تازگی عربستان و جناح کودتاگر در حق مردم فلسطین و آوارگان مرتکب شده است با هیچ مورد دیگری قابل مقایسه نیست. عربستان نه تنها علیه قتل‌عام

## سم انگلیسی در مناسبات پرتنش روسیه و غرب

مشابهی در پیش گرفتند. حدود ۳۰ کشور اقدام به اخراج نمایندگان دیپلماتیک روسیه از خاک خود کرده و بیش از ۱۵۰ دیپلمات روس از کشورهای مختلف اخراج شدند. امریکا اعلام کرد که ۶تن از دیپلمات‌های روسی مقیم امریکا از جمله ۱۲ نفر از کارکنان دفتر نمایندگی دائم روسیه در سازمان ملل را اخراج می‌کند. ترازمی، نخست وزیر انگلیس این رویداد را پرشمارترین اخراج دیپلمات‌های روسی در تاریخ خواند. به گفته پوریس جاسوسن، وزیر خارجه انگلیس، این اخراج‌ها «قطعه عطفی» در روابط غرب با روسیه است و «ضررهای» محسوب می‌شود که سازمان اطلاعات روسیه سال‌ها وقت لازم دارد تا آن را بهبود یابد. تحلیلگران با بررسی رویکرد و عملکرد دولت انگلیس ادعاهای آن درباره نقش روسیه در حادثه مسمومیت اسکرپال را زیر سؤال می‌برند. ضمن اینکه هدف لندن از این اقدام اینهاست که جنبه انسانی و حتی امنیتی یعنی کاربرد سلاح شیمیایی در خاک یک کشور اروپایی انگونه که ادعا کرده باشد، فراهم آوردن بهانه لازم برای اعمال تحریم‌های بیشتر و همه‌جانبه علیه مسکو به ویژه تحریم جام‌جهانی فوتبال روسیه حضور نیابند. نیکیتا سیمونیان معاون اتحادیه فوتبال روسیه درباره درخواست انگلیس از متحدانش برای تحریم جام‌جهانی فوتبال گفت: آنها مدعی بودند که ورزش باید از سیاست جدا باشد. در واقع غربی‌ها به رغم ادعاهای خود، از ورزش به مثابه سلاحی سیاسی و تبلیغاتی علیه دیگر دولت‌ها استفاده می‌کنند. بدین ترتیب در چارچوب کارزار گسترده ضدروسی غرب، این بار انگلیس صحنه‌گردانی را برعهده



روابط روسیه و غرب در سال‌های اخیر به‌ویژه پس از بروز بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴

دستخوش تحولات منفی زیادی بوده است. غربی‌ها به بهانه الحاق کریمه به روسیه و حمایت مسکو از جدایی‌طلبان شرق اوکراین، تحریم‌های گسترده‌ای علیه روسیه اجرا کرده و امریکا به عنوان سررده‌مدار بلوک غرب با دستنوازی بر دادن دخالت مسکو در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶، تحریم‌های بی‌سابقه‌ای را در چارچوب قانون «کاناسا» علیه روسیه اجرا کرد. این مسائل در کنار اختلافات دیگر از جمله حضور نظامی روسیه در سوریه و انتقاد حملات تبلیغاتی غرب علیه دولت روسیه، باعث شده روابط دو طرف روند نزولی طی کنند و بر گستره اختلافات و تنش‌ها افزوده شود.
با این حال بروز مسمومیت جدید یعنی مسمومیت شیمیایی «سرگمی اسکرپال» جاسوس سابق روس و بولیا دخترش در سالزبری در جنوب غرب انگلیس در ۴ مارس ۲۰۱۸ و پیامدهای آن روابط سرد و پرتنش روسیه و غرب را وارد برهه جدیدی در این مسئله فلسطینی‌ها در سال ۲۰۱۰ هنگام تبادل جاسوس میان امریکا و روسیه به انگلیس پناهنده شد که در جریان آن، مسکو چهار جاسوس خود را با ۱۰ جاسوس امریکا مبادله کرد. وی بیشتر مأمور اطلاعاتی روسیه بود که به دلیل جاسوسی برای دولت انگلیس در ۱۳ سال حبس در مسکو محکوم شد. وی متهم بود که هویت جاسوسان روس را در اروپا به سازمان جاسوسی ام. ای. ۶ گزارش داده است. مقامات انگلیس ادعا می‌کنند که اسکرپال براثر تماس با ماده سمی اعصاب ساخت روسیه مسموم به «پیچوک» مسموم شده است.

■ **بهانه‌جویی غربی‌ها**

متهم شدن روسیه از نسوی انگلیس به دخالت مستقیم در مسمومیت شیمیایی اسکرپال به بهانه‌ای برای غربی‌ها برای اقدامات تنبیهی بی‌اساسی علیه مسکو به ویژه در دو بعد دیپلماتیک و ورزشی تبدیل شده است؛ در حالی که ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه بر دخالت نداشتن کشورش در ماجرای مسمومیت اسکرپال تأکید کرده است. نکته مهم اینکه محققان سلاح‌های انگلیس نتوانستند ثابت کنند که گاز اعصاب مورد استفاده در مسمومیت «اسکرپال» ساخت روسیه بوده است. «گری اینکتهد» مدیر آزمایشگاه «پورتون داون» وابسته به ارتش انگلیس هفته قبل اعلام کرد که روسی بودن ماده شیمیایی مسمومیت اسکرپال ثابت نشده است. همچنین اکنون مشخص شده که تولید عامل اعصاب که برای مسموم کردن اسکرپال استفاده شده است می‌تواند در ۲۰ کشور صورت بگیرد. به این ترتیب متهم کردن روسیه به عنوان تولیدکننده و عامل مسمومیت اسکرپال اساساً مسئله‌ای قابل اثبات نیست. با این حال انگلیس و امریکا به همراه برخی شرکای خود در سازمان منع تسلیحات شیمیایی مانع از تصویب طرح پیشنهادی روسیه، ایران و چین برای برای آغاز تحقیقات جدید در خصوص مسئله «اسکرپال» در این سازمان شدند.

■ **اقدامات تنبیهی**

دولت انگلیس در واکنشش علیه روسیه، ۲۳ دیپلمات روس را اخراج کرد که البته شش‌کای اروپایی و غربی لندن نیز رویکرد

فلسطینی‌ها موضع نگرفت و مانع از واکنش و اقدام سلازمان همکاری اسلامی نیز شد بلکه محمد بن سلمان در جریان سفر به امریکا که در رهبری جدید در کمر فلسطینی‌ها فرو کرد که حتی برای خود صهیونیست‌هانیز غافلگیرکننده بود، وی در مصاحبه با نشربه اتلانتیک که مجری آن یک روزنامه‌نگار اسرائیلی بود و سابقاً نیز در ارتش اسرائیل خدمت می‌کرد، گفت: یهودیان در سرزمین‌های آبا و اجدادی‌شان حق زندگی دارند. روزنامه «اسرائیل هیوم» که از اسرائیلی است، نوشت اظهارات شاهزاده محمد بن سلمان در نوع خود بی‌سابقه است و تاکنون هیچ مقام عربی حتی انور سادات نیز چنین اظهاراتی نداشته است. دنیس راس مذاکره‌کننده امریکایی نیز در این باره گفت: مقامات کشورهای عربی سابقاً ماهیت وجودی اسرائیل را پذیرفته بودند اما به حق آن در سرزمین اجدادی یهود اشاره‌ای نکرده بودند و این به مثابه خط قرمز می‌بود که هیچ یک از مقامات عربی تاکنون به آن نزدیک نشده بودند.

دوم اینکه به نظر می‌رسد اکنون تقریباً همه فلسطینی‌ها صرف نظر از اختلافات سیاسی داخلی دارند به این نتیجه می‌رسند که در چارچوب معامله قرن کل فلسطین وجه‌المصالحه قرار گرفته و خطری که فلسطین و فلسطینی‌ها را تهدید می‌کند به مراتب گسترده‌تر است و دیگر به حوزه سازش محدود نمی‌شود. این بدین مفهوم است که ابتکار جدید آوارگان فلسطینی از حمایت‌اجماع فلسطینی برخوردار است و از این دید می‌توان گفت انتفاضه جدید فلسطینی با محوریت آوارگان رقم می‌خورد و می‌توان به آن عنوان انتفاضه آوارگان لقب داد.

در کنار این موضوع می‌توان به دو متغیر تکمیلی دیگر نیز اشاره کرد که یکی ناامید شدن گروه سازشکار از شیوای که در دو دهه و نیم گذشته به کار گرفته بود و تصور می‌کرد از طریق مذاکره می‌تواند به تشکیل دولت نیم‌بند فلسطینی دست پیدا کند و دوم ناامید شدن حماس از پروژه موسوم به اخوانی کردن منطقه و روی آوردن مجدد به محور مقاومت است. با در نظر گرفتن این متغیرها به نظر می‌آید، با این شرایط جدید این بار با محوریت آوارگان استارت‌خورده و از اجماع فلسطین برخوردار است و همین امر باعث وحشت رژیم صهیونیستی شده است و نمایی از این اضطراب و وحشت را می‌توان در سرک تحصن مسالمت‌آمیز آوارگان فلسطینی در مرز غزه مشاهده کرد. این رژیم که برای امحای کامل فلسطینی‌ها و بستن پرونده فلسطین خیز برداشته بود اکنون در معرض خیزش جدید آوارگان فلسطینی قرار گرفته است که هیچ راهکار دقیق برای مقابله با آن ندارد و توسل به سرکوب نیز در این زمینه نه تنها راهگشانیست بلکه چسبانه‌تشنش‌ساز هم هست و لذا می‌توان گفت حداقل در چند هفته آینده این رژیم با چالش‌های روز افزون مواجه خواهد شد و برنامه‌های تدارک یافته برای مقفادمین سالروز اعلام موجودیت از هم کناره به یک کابوس تبدیل شده است.

اروپا نیز از این اقدام پیروی نکردند. از جمله ترکیه و صربستان مخالفت خود را با اخراج دیپلمات‌های روسی اعلام کردند. اکنون مسئله ادامه تحریم‌ها علیه روسیه و در یک چارچوب کلی تر ادامه روابط با روسیه، باعث بروز اختلاف و دودستگی بین کشورهای اتحادیه اروپا شده است. طبیعتاً تقابل این دو دیدگاه در اتحادیه اروپا موجب تفرقه و عدم انسجام در موضع‌گیری اتحادیه اروپا در قبال مسکو شده است. مسئله مسمومیت شیمیایی اسکرپال، موجب برتری جناح ضدروسی در اتحادیه اروپا شده است. با این حال هنوز برخی کشورهای اتحادیه اروپا مخالف برخورد سلبی با مسکو هستند. اما روسیه با اتخاذ رویکردی قاطع در قبال اخراج دیپلمات‌های خود از کشورهای اروپایی نشان داد که به غربی‌ها سرلوحه مواضع و اقدامات خود در برابر غرب از جمله اروپا قرار داده است. با این حال همواره بر امکان حل و فصل اختلافات و عادی‌سازی روابط دو جانبه نیز تأکید کرده است.

■ **امریکا و مسئله اسکرپال**

هرچند تنش سیاسی و دیپلماتیک اخیر بین روسیه و انگلیس رخ داد، اما امریکا با سوءاستفاده تلاش کرد تا هبری کارزار ضدروسی اخیر در جهان غرب را به دست گیرد و از آن برای تضعیف موقعیت وجهه بین‌المللی مسکو و نیز تشدید فشارها علیه روسیه استفاده ابرازی کند. با توجه به تداوم اختلافات و شکاف‌ها در مواضع مسکو و واشنگتن در قبال بسیاری از مسائل بین‌المللی و اکنون بحران مسمومیت شیمیایی اسکرپال، امیدوی به بهبود وضعیت کنونی و آغاز برهه‌ای جدید در روابط دو جانبه روسیه و اروپا وجود ندارد. تداوم اقدامات خصمانه و اشتغال علیه مسکو نشان می‌دهد که امریکایی‌ها مصمم هستند در ابعاد مختلف روس‌ها را به چالش بکشند؛ مسئله‌ای که واکنش و اقدامات متقابل مسکو را به دنبال داشته است. «سرگئی روگوف» کارشناس روسی، معتقد است امروز جنگ سرد جدیدی بین روسیه و امریکا در جریان است.

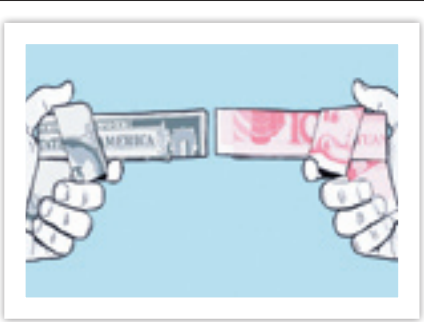
به‌رغم تداوم سیاست تشدید فشار از سوی امریکا علیه روسیه، مسکو نه فقط در مقابل این فشارها مقاومت کرده، بلکه به اتخاذ اقدامات متقابل پرداخته و در برابر هر کنش خصمانه واشنگتن واکنشی متقابل نشان داده است. کما اینکه اخراج دیپلمات‌های امریکایی و بستن کنسولگری این کشور در سن پترزبورگ نشان از قاطعیت روسیه برای مقابله با اقدامات خصمانه امریکا دارد.

■ **جمع‌بندی**

بحران دیپلماتیک کنونی بین روسیه و کشورهای غربی با اقدامات متقابل طرفین به مراحل حساسی رسیده است. در چارچوب کارزار گسترده ضدروسی غرب، این بار انگلیس صحنه‌گردانی را برعهده گرفته و موضع هماهنگ سران دولت‌های غربی علیه روسیه نیز نشان از آن دارد که غرب قصد دارد با توجه به پیروزی بی‌سابقه پوتین در انتخابات ریاست جمهوری روسیه که نشانه بی‌اعتنایی روس‌ها به تبلیغات ضد پوتین غربی‌ها بود، فشارهای سیاسی خود را علیه مسکو و پوتین تشدید کند. در عین حال غربی‌ها اکنون به زعم خود بهانه‌مناسی برای کارزار گسترده سیاسی، دیپلماتیک و تبلیغاتی علیه مسکو یافته‌اند. رویارویی روسیه و غرب بر سر مسئله اسکرپال به مثابه ورود شرق و غرب به دوره جدیدی از تنش‌ها و اختلافات است که به‌راحتی قابل حل و فصل نخواهد بود.

# چهارگاه

سرویس بین‌الملل ۸۸۴۹۸۴۴۴



## گام‌های بلند امریکا در مسیر مهار تقابلی چین

رویکرد سجاد مرادی کلارده

جنگ تجاری با چین از مهم‌ترین موضوعاتی است که امریکا در برهه کنونی، پس از گذشت یک سال از ریاست جمهوری دونالد ترامپ با آن مواجه است. این رویکرد دولت چین نیز شرایط کنونی با اعمال تعرفه‌های جدید بر واردات کالا‌های چینی اعمال شده، بیش از پیش منعکس‌کننده رویکرد تهاجمی ترامپ در سیاست خارجی امریکا است. ترامپ در شرایطی در سخنان خویش ابراز امیدواری کرد که به آسانی می‌تواند برنده جنگ تجاری با چین باشد که امریکا در حال حاضر بیش از چهار برابر صادرات به چین، از چین کالا وارد می‌کند. با وجود اینکه دولت امریکا هدف از اقدام خویش را مقابله با سیاست اقتصادی و رقابت غیرعادلانه چین می‌داند، اما در بررسی این رفتار دولت امریکا می‌توان به چند نکته اشاره نمود:

نخست، منطق سیاست خارجی امریکا است که در دوره ریاست جمهوری ترامپ دچار تغییر شده است. سیاست خارجی امریکا در دوره اوباما سعی داشت با تغییر تمرکز، از خارومیانه به حوزه آسیا و پاسیفیک بپردازد، در حالی که ترامپ بیش از پیگیری تغییرات راهبردی در سیاست خارجی، حول محور موضوعات خاص عمل کرده است.

موضوع دوم این است که ترامپ در تبلیغات انتخاباتی خویش وعده داد برای شدت عمل بر واردات کالا‌های چینی و به ویژه کسری توازن تجاری در مقابل چین راداد و از اینکه صادرات چین به امریکا بر واردات آن فزونی دارد، انتقاد کرده بود. نکته بعدی که پایستی به آن عنایت نمود این است که امریکا در صورت تعطیلی تجارت با چین، از شش‌ریز تجاری دیگری در حد و اندازه یکن برخوردار نیست. این موضوع به ویژه در اجناس زینتی قابل ملاحظه است. نکته سوم و البته بسیار مهم در این راستا رشد بی‌سابقه اقتصاد چین است که جایگاه امریکا در کلیت اقتصاد جهانی را تحت تأثیر قرار داده است. پیش از ۱۹۷۸ تا ۱۹۷۸ کار آمدن دن شیائوپینگ پس از درگذشت ماوتسه دونگ، چین رویکرد عمل‌گرایانه در رون اصلاحات اقتصادی را در پیش گرفته و پارادایم سیاست خارجی را در راستای توسعه و تسهیل روندهای اقتصادی در پیش گرفت. بر همین چسبانه‌تشنش‌ساز داخلی چین از ۱۹۷۸ تا ۲۰۱۵ با نرخ متوسط ۱۰ درصد، رشد قابل توجهی را تجربه کرده است. در سال ۱۹۹۰، از مجموع ۲۲۰۸ تریلیون دلار تولید ناخالص جهانی، کمتر از ۲ درصد آن متعلق به چین بود. این در حالی است که رشد اقتصادی این کشور از میزان کل جهانی در سال ۲۰۱۵ که ۶۰/۷۴ تریلیون دلار بوده است، به ۱۵ درصد افزایش یافته است. نکته قابل توجه در همین رابطه این است که چین در سال ۲۰۱۰ ژاپن را پشت سر نهاده و پس از امریکا به عنوان دومین قدرت اقتصادی در دنیا مطرح شده است. بر اساس برخی از برآوردها، تا سال ۲۰۲۵ تولید ناخالص چین از تولید ناخالص سالانه امریکا پیشی گرفته و در نتیجه به بزرگ‌ترین اقتصاد دنیا تبدیل می‌شود. بنابراین، با وجود در نظر گرفتن نوسانات احتمالی، روند کلی رشد اقتصادی چین بسیار محتمل است.

در طرف دیگر، سیاست خارجی تهاجمی ترامپ در مقابل چین تابعی از سایر موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی است که مهم‌ترین آن روابط چین و روسیه است. این روابط طی سال‌های بعد از سال ۱۹۸۹ روندی افزایشی را تجربه کرده و نتیجه عینی این بهبود روابط، موافقتنامه تجاری سال ۱۹۹۲ بود که عمدتاً در زمینه صادرات تسلیحات روسیه به چین بود. در عین حال روابط دو کشور در دهه دوم قرن بیست و یکم بر اساس موضوعات دو جانبه و نیز همه‌تکمیلی‌های منافع یکن و مسکو در موضوعات مختلف سیاسی خارجی بیش از پیش افزایش یافته و به عبارتی تنها گام‌های تا تبدیل به یک اتحاد راهبردی فاصله دارد.

مسئله دیگر، سیاست‌های خصمانه ترامپ طی یک سال گذشته علیه چین است. اوج این سیاست‌ها در واقع تعبیری است که از این کشور در راهبرد جدید امنیت ملی امریکا ارائه شده است. در این سند به طور کلی ۲۳ بار از چین یاد شده است. نکته قابل تأمل این است که چین به عنوان قدرتی تجدیدنظرطلب معرفی شده که جایگاه ایالات متحده را با تهدید مواجه می‌کند.

در نهایت باید گفت که این رویکرد دولت ترامپ بر مبنای سیاست‌های اقتصادی آن انجام می‌شود. ترامپ تقریباً به طور مداوم اعلام کرده که اقتصاد را مهم‌ترین اولویت دولت خویش می‌داند. همچنین وی اقتصاد را مهم‌ترین پایه امنیت ملی امریکا دانسته و حتی امنیت اقتصادی را مترادف با امنیت ملی دانسته است. سند جدید راهبرد امنیت امریکا نیز با وجود روابط اقتصادی و تجاری گسترده میان واشنگتن و پکن، ضمن انتقاد از چین خواستار بازنگری در رویکرد‌های دو دهه گذشته سیاست خارجی امریکا نسبت به پکن شده است. به همین دلیل خود این از زیایی نیز رویارویی واشنگتن و پکن را محتمل کرده است.

در مقابل، آنچه از سوی چین دیده می‌شود این است که با وجود گذشت بیش از یک سال از دولت ترامپ، یکن حتی‌الامکان به ارزیابی سیاست خارجی امریکا پرداخته است. در این چارچوب با گذشت یک سال از حضور ترامپ در سمت ریاست جمهوری امریکا، به نظر می‌رسد که سیاست خارجی این کشور در مقابل چین از اصول و رویکرد مشخصی برخوردار نمی‌باشد. در مقام مقایسه سیاست خارجی ترامپ در قبال چین نسبت به اسلاف او در کاخ سفید باید گفت که شباهت‌هایی به چشم می‌خورد. مهم‌ترین شباهت این است که ترامپ نیز مانند دیگر رؤسای جمهوری امریکا، چین را رقیب امریکا به‌ویژه در عرصه رهبری بر جهان می‌داند. به علاوه باید گفت که در ست است که ترامپ به جای تأکید بر ابعاد خارجی در سیاست خارجی، بیشتر بر توانایی‌های داخلی تأکید کرده است، اما در عین حال تناقض اصلی سیاست خارجی ترامپ این است که اگر زمانی امریکا سعی داشت باادغام چین در ترتیبات اقتصاد جهانی آن را مهار کند، اکنون ترامپ به رغم تأکید بر اهمیت تشریک مساعی با دیگر کشورهای جهان برای هدف اساسی رشد اقتصاد جهانی، راهبرد‌های تقابلی را با چین دنبال می‌کند که نشانگر غلبه رویکرد رقابت بر رویکرد همکاری چوپایانه است.